

### متن پرسش

با سلام. کتاب فرهنگ مدرنیته و توهم را مطالعه کردم ولی نکاتی برای من مبهم ماند اولاً فرق بین کوزه و بلوک سیمانی را به خوبی مشخص نکرده اید و باید مشخص کنید ملاک های شما از چیزی که با طبیعت در تعامل است چیست؟ آیا اختراع تلفن در جهت هماهنگ کردن طبیعت با انسان است یا انسان با طبیعت؟ تلفن به عنوان یک تکنولوژی که ما را قادر می سازد از همین جا پیغامی به اقصی نقاط عالم بفرستیم چه مشکلی دارد آیا به مثابه خوردن میت در اضطرار است؟ آیا می شود گفت که این قدرت برق را که خدا در آب قرار داده بیهوده بوده و بشر می بایستی در تعامل در طبیعت از نور خورشید با طراحی خاص ساختمان ها بهره می گرفت؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: بحثی که در رابطه با نزدیکی کوزه و دوری بلوک سیمانی در آن کتاب مطرح شده یک موضوع حضوری است با تفکر خاص، اگر آن را در حوزه علم حصولی بخواهید جستجو کنید تصدیق نمی کنید. در کتاب «سلوک ذیل شخصیت حضرت امام خمینی» رضوان الله تعالی علیه «تحت عنوان جایگزینی های غلط هست که «فرهنگ مدرنیته نسبت ما را با آسمان معنویت قطع کرده و ما متأسفانه تحت تأثیر همان فرهنگ، به جای آن که به آن ارتباط برگردیم، جایگزینی های غلط می کنیم. ارتباط با موبایل را جای ارتباطات ملکوتی قرار می دهیم. قبلی ها از طریق اُنس و ارتباط با ملکوت عالم، با همدیگر ارتباط ملکوتی و اشراقی داشتند. در روش ارتباط از طریق موبایل، ماهواره در میان است، امواج صوت را به ماهواره می فرستید و ماهواره منعکس می کند به گوشی موبایل آن کسی که شما با او تماس گرفتید. قبلاً ارتباطات ملکوتی در میان بود، قلب ها با ملکوت مرتبط بودند و از طریق ملکوت به همدیگر پیام می دادند. مادران بدون این که دائم به دخترشان تلفن بزنند می دانستند اجمالاً دخترشان در چه حالی است و قلبشان آن حالت را می شناخت و رفقا هم با هم ارتباط ملکوتی داشتند، چون رجوع آن ها به جنبه ی نورانی همدیگر بود و نه جنبه ی جزئی زمینی. در ارتباط جزئی، مادر به دخترش تلفن می زند که صبحانه چه خورده ای، برای این نوع آگاهی ها تلفن و موبایل نیاز است و فرهنگ مدرنیته مأمور تأمین این نوع آگاهی ها می شود. در ارتباط ملکوتی روح ها نظر به جنبه ی وجودی همدیگر داشتند و به همان جنبه ی «وجودی» نظر می انداختند و حقایق عالم و آدم را درک می کردند و در حال حاضر تقریباً آن فرهنگ در حجاب رفته است، هرچند حقیقت آن فرهنگ در دل شیعه هست و روحانیون اصیل ما از این نوع انوار

برخوردارند. به همین جهت به دنبال موضوعات جزئی عالم نیستند، روح شیطانی آمریکا را می‌شناسند و می‌دانند کید شیطان ضعیف است و می‌فرمایند: «آمریکا هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» شما هم اگر در آن شرایط روحی قرار بگیرید و آن ایمان در جان شما طلوع کند از همان الهامات بهره‌مند می‌شوید. اولیاء الهی عموماً در نماز شب‌هایشان راحت‌تر به این الهامات می‌رسند. در روایت هم داریم که نماز شب «نِعْمَ الْمَطِيه» مرکب خوبی است تا انسان را به بالا سیر دهد. «این را به عنوان نمونه عرض کردم تا اگر مایل بودید در رابطه با جایگاه تکنولوژی غربی در نظام هستی مطالعه بفرمایید باید مطلب را با ظرافت بیشتر دنبال کنید تا معلوم شود استعدادهاى موجود در عالم با تفاوتی که در جهت‌گیری‌های ما هست می‌توانند مفید یا مضر باشند. موفق باشید